

برچیدن برده داری در دوره فرمانفرمایی کوروش بزرگ و در نهاد شاهنشاهی ایرانزمین

این نوشتار با بررسی سنگ نوشته ها و لوحهای گلی که در موزه های بزرگ جهانی و در تخت جمشید موجودند و به استناد نتایج کار پژوهشگران تاریخ ایران همراه با نگاه به تاریخ برده داری در جهان و در راستای گسترش بیشتر بند ۳ از ۱۹ بند پایه های بنیادی نهاد شاهنشاهی آماده گردیده تا دوستان که در برنامه های تلویزیونی شرکت میکنند چنانچه مناسب دانستند از آن بهره بگیرند.

بند ۳ چنین است:

« غیر قانونی بودن و محکوم کردن برده داری در فرهنگ شاهنشاهی ایران »

۱



سند شرم آور بشریت

**تابلوی مغازه حراج و فروش نگرو (کاکاسیاه)
در آمریکایش از ابراهام لینکلن**

۱- فشرده ای از تاریخ برده داری در جهان

تعریف برده داری:

برده داری در بندگی بودن اختیاری یا غیر اختیاری یک شخص در دست شخص دیگر است. نظام برده داری در مرحله متلاشی شدن کمون اولیه و بر شالوده از دیاد نا برابری اقتصادی که خود بازده پیدایش مالکیت فردی بود، شکل گرفت. دولت برای نخستین بار در دوران بردگی پدیدار می شود.

برده داری در دوران باستان

پایه برده داری از آن هنگام آغاز شد که بشر از گرد آوری خوراک که تولید طبیعی بود مانند میوه ودانه و شکار به تولید خوراک یا کشاورزی و دامپروری روی آورد. و بجای ابزارهای طبیعی مانند سنگ و چوب ساده، از ابزارهایی مانند چوب و

سنگ صیقلی شده و شاخ و استخوان بهره بردار و سپس به اختراع تیر و کمان و فایق پرداخت و با کشف آتش و برافروختن و نگهداری از آن گام ارزشمندی در راه تکامل خود برداشت ولی چون به تنهایی توان نبرد با طبیعت و درندگان را نداشت به زندگی و تولید اشتراکی یا کمون روی آورد.

کمون اولیه یا جامعه اشتراکی بدوی، نخستین پدیده اجتماعی - اقتصادی " در تاریخ بشر و طولانی ترین دوره در ادوار مختلف تاریخ جامعه انسانیت و چندین ده هزار سال را در بر می گیرد.

در کمون اولیه - جامعه ابتدائی اشتراکی بشری - نابرابری از نظر درآمد و مالکیت وجود نداشت، بهره کشی و طبقات نبود، استثمار فرد از فرد و دولت هنوز بوجود نیامده بود. حقوق فردی برای زن و مرد و کودک و جوان و سالخورده یکسان بود. در پی کشاورزی بایداداش مالکیت فردی بردگی آغاز شد و در درازای همه تاریخ به گونه های آشکار و پنهان خود را به بشریت تحمیل کرد.

کمون که دیا لکتیک مارکس بر آن پایه بنا شده و از آن است که شاید بتوان آنرا همسان با «اشتراکی» یا «جمعی» یا «همگانی» درپارسی دانست. پاره ای از پژوهشگران پیشنهاد کرده اند که از واژه «ویس» که هم در اوستا آمده و هم در سنگ نبشته های داریوش آمده و تا زمان ساسانیان باقی مانده بود برای این اندیشه برگزیده شود.

در این نظام بتدریج تقسیم طبیعی کار شکل می گیرد. یعنی کارها بر حسب جنس - زن یا مرد بودن - و بر حسب سن - پیر یا جوان بودن - بین افراد گروه یا طایفه تقسیم می شود. رشد اقتصاد، البته با همان معیارهای بدوی، و ازدیاد نفوس منجر به شکل گرفتن و نضج یافتن سازمان های قبیله ای و شاخص های مختلف اتیک می شود. در آغاز در این اجتماع قبیله ای نقش اساسی و موضع اصلی را زنان دارا بودند. و این دورانی است که به آن "ماتریارک" یا مادر شاهی یا مادر سالاری می گویند. پس از آن در جریان تکامل تاریخی مردان دارای وضع مسلط اجتماعی شدند. به این مرحله "پاتریارک" یا پدرشاهی و یا پدر سالاری می گویند.

پس از آن که کار انفرادی در درون خانواده ممکن گردید خانواده به واحد اساسی انسانی یا اتیک، به سلول و واحد مهم تجمع انسانی بدل گردید. قبایل به خانواده ها تقسیم شدند. مساکن و وسائل تولید به تدریج به مالکیت خانواده ها در آمد. بنابراین شاخص این دوره، سازمان اجتماعی گروه های انسانی بر شالوده وابستگی های دودمانی، خونی، طایفه ای و وجود یک نظام متکی بر علائق و وابستگی های خویشاوندی هم خونی است

همزمان با رشد دام پروری و کشاورزی، تقسیم اجتماعی کار بوجود می آید و مبادله بین افراد قبائل آغاز می شود بهره برداری خصوصی و تقسیم اجتماعی کار، تکمیل ابزار کار و تقویت تجربه و مهارت کار و ازدیاد بازده کار، کار انفرادی و تقسیم اجتماعی کار، و اضافه محصول (رانت ریکاردو) و مبادله منجر به پیدایش مالکیت خصوصی و اختلاف درآمد و به دنبال آن پیدایش طبقات و استثمار فرد از فرد می شود. البته برای آن که این تغییر کیفی عمیق انجام گیرد مدت زمان درازی لازم آمد تا تحولات کمی انباشته گردد. گروه های خاص دارای درآمد ویژه و صاحب وضع اجتماعی خاص (مثلا بعلت رهبری نظامی و حفاظت شبکه های آبیاری و سرپرستی امور جمعی قبایل)، کم کم به طبقه جدید استثمارگر مبدل می شوند. آن قشرهایی از طوایف که دارای نفوذ و نقش ویژه بیشتری بودند مانند ریش سفیدان قبیله و پهلوانان و کاهنان و جادوگران از این شرایط و از وجود اضافه محصول برای کسب ثروت شخصی و بهره بردن بدون کار کردن و استفاده از ثمره دسترنج

دیگران سود می برند. جامعه به فقیر و غنی تقسیم می شود و محمل های بهره کشی پدید می آید. و مبادله منجر به پیدایش مالکیت خصوصی و اختلاف در آمد و به دنبال آن پیدایش طبقات و استثمار فرد از فرد یا برده داری به گونه های مختلف می شود.

مارکس پس از بررسی تاریخی (دیا لکتیک) بسیار گسترده خود و رسیدن به جامعه فئودالیسم و بورژوازی و خرده بورژوازی و برای جلوگیری از استثمار کارگران در مانیفست خود میگوید:

«رنجبران جهان متحد شوید»

وبا انقلابهای خونین (نه مسالمت آمیز) به جامعه بی طبقه کمون نخستین یا کمونیسم باز گردید. شاید لازم بود بشریت این پدیده را در آزمایشگاه تاریخ با کشتار صد هامیلیونها انسان بیگناه (که گناهشان تنها تولد یا سکونت در این سزمینها بود) در سراسرگیتی آزمایش میکرد تا به پوچی این اندیشه پی برد و جلوی دید گانش و در روز روشن ببیند که شوروی پیشین و روسیه کنونی و چین امروزی خود بزرگترین امپریالیسم جهانی و استعمار گر و استثمار پیشه هستند که کشورهای جهان غرب را به حاشیه رانده اند. حتی کشور کوچکی مانند کوبا به روش سرمایه گذاری پناه برده است

بردگی نخست در مصر باستان، بابل، آشور، چین و هندوستان پدیدار گشت؛ اسناد تاریخی نشان میدهند که بردگی نخست در یونان و روم باستان به شکل کلاسیک خود تکامل حاصل کرد. در شرق و از آن جمله در ایران باستان، بردگی بیشتر ویژگی پدر سالاری داشت.

مدارک و شواهد برده داری کهن به پس از توسعه کشاورزی و در جریان انقلاب نوسنگی در حدود ۱۱۰۰۰ سال پیش می رسد. نخستین سند در مورد برده داری را می توان به (۱۷۶۰ پیش از میلاد) منسوب کرد که در آن به گشایش یک مؤسسه در این باره اشاره می شود. در قانون حمورابی آیین برده داری به رسمیت شناخته شده است.

گونه های برده داری

۱- برده بعنوان دارایی: این نوع برده داری گونه اصلی برده داری است که بردگان به عنوان دارایی مالکانشان تلقی و خرید و فروش می شوند.

۲- بیگاری: در این نوع برده داری فردی نیروی کارش را به رایگان در برابر یک بدهی عرضه می کند. مدت زمان این نوع برده داری ممکن است مشخص نباشد و حتی کودکان به دلیل بدهی والدینشان به بردگی مجبور گردند. این نوع برده داری امروزه رایج ترین شکل است

۳- کار اجباری: این نوع از برده داری زمانی رخ می دهد که فرد مجبور می گردد علی رغم میلش تحت خشونت یا مجازات ارباب خود و با محدود گشتن آزادی های شخصی اش به کار پردازد. بهترین نمونه گولاک در سیرری شوروی است که در دوره استالین چند میلیون انسان از گرسنگی و سرما جان دادند.

۴- ازدواج اجباری: این نوع برده داری زمانی است که یک یا هر دو طرف مجبور به ازدواج علی رغم میل خود می گردند.

این شکل از برده‌داری هنوز در جنوب و شرق آسیا و آفریقا قابل مشاهده است. در بسیاری از انواع برده‌داری، به خصوص در برده‌داری نوع اول سوء استفاده جنسی از بردگان به اشکال گوناگون رایج است.

۵- کسانی که گروههای مافیایی از آنها برخلاف خواست خودشان بهره برداری برای ارتکاب جرم مینمایند. آمار در انگلستان نشان میدهد در حدود ۴۲۰۰ نفر از این گونه برده بسر میبرند

۶- دختران و زنان و پسرانی که برای روسپی گری ربوده میشوند.

۷- اسیران جنگی بویژه در نبردهای پیامبر (غزوات) به عنوان غنیمت جنگی گرفته میشوند و مانند کالا خرید و فروش میشوند.

۸- سیاه پوستانی که برای کار اجباری و بی مزد از سوی گروههای استثمارری ربوده شدند و نیروی اصلی محرکه ناوگانهای تجاری را تشکیل میدادند

۹- فرزندان برده که از همان زمان تولد برده مالک یا ارباب میشود

۲- فرمان کورش در راستای برچیدن پدیده برده برداری

برای درک بزرگی و عظمت کار کورش باید به روش شاهان و کشور گشایان آنزمان و رفتار آنها آشنا شد. کورش در زمانی کشورگشائی خود را آغاز کرد که کشتارهای همگانی، غارت و چپاول، ویرانگری، ناموس دریدگی، بردگی ملتهای شکست خورده از رسوم و عادت جاری پادشاهان آن زمان بود. به عنوان نمونه به کتیبه «اسور نازیربا» اشاره میکنم که میگوید:

بفرموده آشورو ایشتر خدایان بزرگ که حامیان من بودند با لشکریان و ارا به های جنگی خود به شهر گینابو حمله بردم و آنجا را به یک ضرب شست تصرف کردم، شش صد نفر از سپاهیان دشمن را بیدرنگ سربریدم. سه هزار نفر اسیر را زنده زنده طعمه آتش ساختم و حتی یک نفر را باقی نگذاشتم که به اسارت برود. حاکم شهر را به دست خود پوست گندم و پوستش را به دیوار شهر آویختم از آنجا به شهر طلاروان شدن چون مردم آن سرزمین به عجز و التماس نیفتادند و تسلیم نشدند از این رو به شهرشان یورش بردم و آن را گشودم. سه هزار نفر از آن هارا از دم تیغ گذراندم. بسیاری دیگر را در آتش کباب کردم اسرای بی شماری از آنها گرفتم، دست و انگشت و گوش آنها را بریدم و هزاران چشم از کاسه و هزاران زبان از دهان بیرون کشیدم از اجساد کشته گان پشته ساختم سرهای بریده آنها را به تاک های بیرون شهر آویختم.

در این گیر و دار اجتماعی سیاسی و جنگی آنروز کورش بزرگ چنین مینویسد:

منم کوروش شاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل و شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان... با آرامش به بابل آمدم و در میان شادی مردم بر اورنگ شاهی نشستم... سپاه بی شمار من بابل را گرفتند، بی آنکه کسی را بیازارند. به هیچکس اجازه ندادم که مردم سومر و اکد را دستخوش بیم و هراس سازد. نیازهای بابلیان و نیایشگاهها یشان را در نظر گرفتم تا جملگی را رفاه و آسایش بخشم. یوغ بندگی را از گردن مردم بابل برداشتم. خانه های ویران نشان را از نو ساختم و به زنجها و شکوه هایشان پایان دادم...

شهرهای آشور، نوس، آگاده، و اشوننا و... و همه شهرهای مقدس آن سوی دجله را که پرستشگاهها یشان از دیرزمانی پیش ویران شده بود آباد کردم و پیکره های خدایان آنها را به جای خود بازگرداندم. همه مردم این سرزمین ها را در دیارشان گردآوردم و خانه هایشان را به آنان پس دادم

کوروش بر خلاف روشهای وحشیانه معمول در آن زمان، در شهرهایی که به تصرف او در می آمد، کشتار نمی کرد، به ادیان مذاهب ملت های شکست خورده احترام می گذاشت و حتی به هزینه خود معابد و پرستشگاه های آنها را نوسازی میکرد. برای مثال پس از تسخیر بابل معابد «اساهیل» و «ازیدا» را نوسازی کرد و دستور داد معبد بزرگی در بیت المقدس بسازند. پس از کشته شدن بلشضر پسر پادشاه بابل، فرمان داد حتی در دربار پارس عزای عمومی اعلام شود. زمانیکه لیدی را تسخیر کرد از خود اهالی آن سرزمین حکمرانی برای لیدی تعیین نمود. شهر صیدارا که بخت النصر پادشاه پیشین بابل نیمه ویرانه کرده بود دستور داد نوسازی کنند و از خود دارای پادشاه شود. کوروش میل نداشت در ملت های شکست خورده احساس حقارت و خفت به وجود بیاورد و یا دین و آداب و رسوم و عواطفشان را خوار دارد و آنها را ناامید و بی پناه ببیند.

اشعیای نبی کورش را مسیح الله و برگزیده خدا میخواند و تورات کورش را در حد پیامبران میشمرد. مردم سرزمین پهناورش او را خداوندگار مینامیدند.

برچیدن نظم برده داری در زمان کورش تا مدتی دراز پس از آن کم و بیش رعایت میشد، نابایورش تازیان به برده داری در قران رسمیت داده شد.

۳- برده داری در دوره تازیان و آیین اسلام

با پیدایش اسلام و در غزوات، کنیز و غلام پاداشی بود که به چپاولگران و سپاهیان پیامبر بعنوان غنیمت جنگی داده میشد. در این دوران بازار برده داری رونق فراوان یافت. بیش از ۱۲ آیه در قران برده داری را آشکارا یا ضمنی تأید میکند این رسم در دوره صفویه با برپایی حرمسرا و اخته کردن غلامان برای خدمت در حرمسرا ها شکل تازه ای بخود گرفت و در زمان فتحلی شاه داشتن حرمسرا یا بردگان جنسی و تعداد زنان حرمسرا بجای پیشبرد کشور دغدغه اصلی او شد.

۴- برچیدن قانونی برده داری در زمان رضا شاه بزرگ

پس از امضای قرارداد بروکسل در راستای منع تجارت برده با تفاهم نامه ای که تیمورتاش با دستور رضاشاه با انگلستان انجام داد برای اجرایی کردن قرارداد در روز ۱۸ بهمن ۱۳۰۷ لایحه دو فوریتی زیر در مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

«ماده واحده- در مملکت ایران هیچ کس به عنوان برده شناخته نشده و هر برده ای بمجرد ورود به خاک یا آبهای ساحلی ایران آزاد خواهد بود. هر کس انسانی را به عنوان برده خرید و فروش کرده یا رفتار مالکانه دیگری نسبت به انسانی بنماید یا واسطه دیگری در حمل و نقل برده بشود، محکوم به یک تا سه سال حبس تأدیبی خواهد بود.

تبصره - هر یک از مأمورین دولتی مکلف است به محض اطلاع یا مراجعه کسی که مورد معامله یا رفتار بردگی شده است فوراً وسائل استخلاص او را فراهم آورده برای تعقیب مجرم به نزدیکترین پارک بدایت اطلاع دهد.

۵- برچیدن قانونی برده برداری جنسی در انقلاب سفید

با وجود قانون یادشده بالا زندهای ایران با نداشتن حقوق بنیادی مانند حق انتخاب شدن و انتخاب کردن، حق طلاق، حق نگهداری فرزند پس از درگذشت همسر، حق ارث برابر با مرد، حق بردن ارث از تمام اموال شوهر و از سوی دیگر حق یکسویه شوهر برای کشتن همسر چنانچه وی را با مرد اجنبی در یک فراش ببیند، ارزش شهادت زن نصف شهادت مرد و... عملاً برده جنسی مردان بودند. با تصویب اصل اول انقلاب سفید، بویژه تصویب قانون حمایت خانواده بعنوان یک انسان کامل شناخته شدند و پس از آزاد شدن این نیروی خلاقه به بزرگترین پیشرفتهای دست یافتند و توانستند خدمات کم مانند به ملت و ایران بکنند.

۶- بردگی جهانی

آمارهایی از بردگی در کشورهای گوناگون وجود دارند و برآورد شده که هم اکنون ۳۰ میلیون قربانی برده‌داری مدرن در ۱۶۲ کشور جهان به شکل‌های گوناگونی مورد سوء استفاده جنسی و غیرجنسی قرار می‌گیرند. برخی از این افراد ربوده و فروخته می‌شوند و برخی دیگر به بهانه آموزش یا اشتغال به دام گروه‌های تبهکار می‌افتند. براساس نوشتار هفته نامه آلمانی اسپیکل، قاچاق کودکان توسط گروه‌های تبهکار و ازدواج‌های اجباری هم نوعی برده‌داری تلقی می‌شود. بسیاری از بردگان امروز جهان از سر ناچاری به کار یا ازدواج اجباری تن می‌دهند. براساس این نوشتار در کشور موریتانی در غرب افریقا بیشتر کودکان و زنان را بردگانی تشکیل می‌دهند که چه از نظر اجبار به کار در خانه و چه از نظر آزار جنسی زیر فشار هستند و بردگی بخشی از زندگی روزمره آنان است. در کشور هاییتی از ۱۰ میلیون جمعیت ۲۰۰ هزار نفر آن که بیشتر کودکان هستند بصورت برده زندگی میکنند. کشور سوم پاکستان است که از جمعیت حدود ۲۰۰ میلیونی آن تقریباً ۲ میلیون نفر در حالت بردگی بسر می‌برند. سازمان بین المللی کار کشور قطر را متهم کرده است که این کشور برای ساختن استادیوم برای برگزاری مسابقات جهانی فوتبال در سال ۲۰۲۲ مقررات کنوانسیون ضد کار اجباری را نقض کرده است ولی این سازمان و خود سازمان ملل متحد و کشورهای دارنده حق وتو، همینطور اسپیکل، هیچگاه کوچکترین اشاره‌ای به این واقعیت تلخ نمیکنند که در این کره خاکی کشوری وجود دارد که نامش ایران است و جمعیت ۸۵ میلیونی آن، به جز ۵۰۰ هزار نفر سرمداران حکومتی، در زندانی بوسعت خاک ایران اسیر و برده اند و ۶۰ میلیون آنها در زیر خط فقر قرار دارند. و باتورم ۴۰ درصدی سالانه دولت دست در جیب مردم دارد و از هر صد هزار تومان ۴۰ هزار تومان آنرا میدزد. باتوجه به این واقعیت که راکفلرها و خاتواده روچیلدها و بیل گیتها و چند استشار گر دیگر با برده کردن بیش از ۹۰ درصد نیروی کار یقه آبی و یقه سفید جهان در هر ثانیه بگونه متوسط ۵۰۰۰ دلار چه در بیداری و چه در خواب بر ثروت خود میافزایند شایسته است بجای مانیفست مارکس که بطلان آن عملاً به اثبات رسیده پیشنهاد گردد که مانیفستی تهیه و با شعار زیر آغاز گردد که:

«برندگان جهان متحد شوید»

و ملت اسیر و برده و در بند ایران و سایر ستمدیگان جهان برای تغییر نظم کنونی جهانی پاخیزند.